

کوشش نامتعلی

دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۲۵
۴ ۲ رجب ۱۳۶۵
۴ ۲ ذی قعد ۱۹۴۶

روزنامه بیپنجاهه حزب و جمعیتی بستگی ندارد

بیدی که به این بادها نهی لرزد

روش افراد بنوشنه های دور و زانامه

معرض قدیمی نشو اولد باوند

نظر ناگوارانه خود را می خوانند تبلیغ نمایند.

این روزنامه نگاران ابراسی و مبین پرست! یکی با کوشش و دیگری

در هیئت خود حملات ناجوانانه ای به افراد شروع کرده و بیچار خود

از این راه نمیتواند نعم نماند بایسته و احساسات افراد را تحریک نموده و در

موقیبت هایی که دولت در حل مسئله کردستان بایسته بدست آورد غلطی وارد

سازند. یکی از حزب کومه باد میکنند و دیگری با تکرار چندین بار کلمه متعاصر

در چند سطر میخواند به نوشته خود ارزشی میدهد.

این روزنامه نگاران در کینه کاری بایسته بداند که دیگر محتای آنها رنگی نخواهد گرفت.

کردها تناسهای مشرود در حدود قوانین مملکتی دارند. این تناسها

بایسته رسیدگی شود و حق قانونی آنها بایسته داده شود.

آنها بیکه میخوانند در ایران همیشه محطی از پاس و ناامیدی و هندرشایت

و آفتنگی حکمفرما باشد حق دارند که به آن بپایه ها بسنه و هر کسی را

که در راه اصلاحات و دفاع از حقوق حق مردم کوشا می بینند با نوشته های

غرض آلود خود آلوده نمایند. صاحبان این روزنامه ها بایسته بداند

و اطمینان داشته باشند که تیر تبلیغات شوم آنان در نواسی کرد نشین کار

گر نبوده کوچکترین تنبیری در اعتماد آنها به نسبت وزیر کنونی حاصل نخواهد

شد و در روش آنها تغییر نخواهد داد گذشت آن عهد زمانی که مقلان

روزنامه نگار بی بند و بار با کمال بیادرت می نوشت: باید به دهان کردها

سرب گداخته ریخت و جای آنان را پر جو به دار بایسته معین کرد»

اگر در مقابل این اظهارات جنودانه امروز ها سکوت مرگباری به نوبسته

آن جبارت پیشتر می بخشید امروز دیگر اجازه این گونه یالوه سرانی ها داده

نخواهد شد.

هفته گذشته خبر مسافرت آقای سر لشکر روز آرا و هیئت اهزاسی از مرکز را برای جلوگیری از حوادثی که

ممکن است در مسافرت غرب روی دهد با اطلاع خوانندگان رسانیدیم. تیر اطلاع

دادیم که هیئتی از کردستان شمالی هم برای مذاکره و همکاری خواهد آمد

علاوه بر هیئت نظامی مرکز آذربایجان امیر اسد دهبوکری وطنی همیسی زاده

که چندی بود در تهران اقامت داشته بهسرامی آقای سرهنگ بزکچکیان چند

روز بعد از حرکت آقای سر لشکر روز آرا بطرف کردستان حرکت نمودند.

بفرار خیری که از سفر رسید ماست همیشه اهزاسی میباباد به سنزوار و در مذاکره

هم نموده سپس مراجعت کرده اند ولی از چگونگی مذاکرات نتایج آن اطلاعی

در دست نیست. همانطور که بارها تذکر داده ایم

حل مسئله آذربایجان و کردستان تنها از طریق مسالمت آمیز و بانوجه مخصوص

باطظهارات مردم این نواسی امکان پذیر است.

این نظر همان است که از بدو انتشار روزنامه کوشش با اطلاع دولت های

گذشته رسانیده ام بولی متاسفانه با تنبیرات کودکانه و با عدم توجه هیچگاه نتوانست

اند معنی اظهارات ما را فهمیده و بیکار بنماند.

امروز که تمام مملکت بدست دستت وزیر با کفایت و کاردانی است که جو

ملاحظ ملت و مملکت نظری نداد و معینیم آن نظر ما مورد توجه واقع نشد و چه

در اظهارات و اعلامیه های خود چه در دستوروات ساده تاکید نموده اند که بایسته

رویه مسالمت آمیز اساس پرتامه کار بایسته.

ولی با وجود این اظهارات صریح چند روزنامه بایسته که نوشته ها و سوابق

آنها خود بهترین مرفشان میباشد که مملکتی شک باقی کرده و در حسن تعریف های

بلند بالا از حسن نظر آقای قوام السلطنه و موقیبت های ایشان از دو کشتی و جنگ

و خور و بزی و قاطع ترین دو مان در ده های مردم آذربایجان و کردستان شمالی معرفی کرده و در لباس «سپه وطن پرست»

جوابی به

دشمنان دوست نمای ایران

اگر موقیبت و احترامی که هخامنشیان؛ اشکانیان و ساسانیان برای نیاکان کرد قائل شده بودند دولت مرکزی نیز از ایشان دریغ ننماید احقاد با شهامت کرد مفاخر باستانی را احیاء و عظمت اولیه ایران را تجدید خواهند کرد

آزادی خود بر نهاده استرداد استقلال ایران، بگانه آلمان ملی خود را، فراموش نشود.

علاوه بر هنرستانی های گوسی ها (اجداد لر ها) تمام ماد کوچک و بزرگ یعنی

از دریای خزر تا خلیج فارس را تبدیل به یک کلان آتش نموده نود و نود و سغوت

جهانگیری اسکندر و ملوک کبیرا را در قمر جهنی خود تبدیل به خاکستر نمود

در این خصوص، تاریخ مرجان ملکم انگلیسی را یاد آور میشود که دوست

پادشاهان برس (پهلوی) مینویسد:

دستی مصطنع اتفاق دارد که سلاطین برتیا املا از توران ویا تاتار

مینباشند که قرون عدیده بر ایران تسلط پیدا کرده اند ولیکن خیلی دلایل بر

خلاف این مطلب است. یکی از معقین و مودبین قدیم تصریح میکند که افعالی

برتیا را که سالکشان در ساحل دجله بود قدیم اسامشان کار و شوی بود.

وضع خاک کار دوشی ها که امروز معروف به کردستان است ...

در قسمت دیگر کتاب خود میگوید:

د از فوت اسکندر تار و شیر پاک نزدیک پانصد سال می شود. جمیع این

زمان طویل می شود گفت که در تاریخ شرق نیست و نسا بود است. فردوسی

اینقدر مختصر ذکر می کند که گویا هیچ تاریخی از آن زمان نمانده است.

علاوه فردوسی آن اوقات را بکلی از قلم انداخته است در صورتیکه در میان

تاریخ رومی ها پراست از و نسا بی که ایرانیان میتوانست با آن شعر و مباحثات کنند

پادشاهان برتیا که امروز نامشان در تاریخ ایران محفوظ است سلاطین بود

اند ششیر رومیها غور و شبه آسا در نصف النهار اقتدار بود نسی توانست

ایشان را کاری کند. می شود گفت سب هنر و شجاعت ایرانیان بود. علاوه

سکنه این مملکت که به رومیها غلبه میکردند در طرف ممالک روم

بود. آذربای خزر می گرفت تا میرفت به خلیج فارس تمام کوه

های بلند، و دره های مخوق بقیه در مملکت

در مقاله های قبل راجع به کرد و بیداری او پاره توضیحات داده و باین امر اشاره کرده بودم که جنب و جوش های آنان برای ایران جای نگرانی

نبوده بلکه مایه امیدواری است. در این مقاله هم میخوانم بشهادت

یگانگان استاد نموده حسان بازیهای افراد را در حفظ آزادی و عظمت

ایران برخودشنان دوست نمای ایران و برایت کشید. تپه های ناروایی که

بقوم ایجاد کرده میشود در کتب امروز در قسمت تاریخ ریشه نژادی

کرد که بگمانگی کرد و ایران را ثابت می نماید. این لیکن مسکن است در

این خصوص بدعا توضیح اساسی تری داده شود.

کردها قدیمترین طوایف آریایی میباشد که بساتق مسکونی خود خود

آمده، آب و هوا و چرا گلهای آنها را موافق زندگی و اجناس خود دیده

چا پیدا شده اند، دیگر نامها برتیا اقوام نه سلهای دول مقتر مانه گله و

آسور و روم، نه استیلای مربوط به سبیل خاندان سوز منول یعنی میبیک از سواخت

و انقلابات روزگار نتوانست است این ملت سلحشور و رشید را از مکان پسنه دیده

خود ننگ دهه. تاریخ قدمت کردها در کوههای

زاگروس، چهار تا پنجاه هزار سال پیش می رساند، هیچ معقن و مستشرقی توانست

است این قدمت را از سه هزار سال پالین تر بیورد.

فردوسی شهر کردها را آزاد شده جوانان از ظلم حاکم دانسته با این

افسانه یک عقیده که ملت جشیه را را کردها تشکیل میداده اند اشاره فرموده

است طایفه ای از کردها که امتیاز گرفتن اولیبت نام کردها را دارند

پس از بسن راه بر کسرتون سردار معروف برتیا که بر علیه شاهنشاه

ایران جسارتی نموده بود با نشت هراو ششیر زن خود به چنگ دارا بوساکندر

اشترک کردند. زمانی که نوای مقنونه به ایران

استیلا پانته سخ های با عظمت هخامنشیا طبع حریق رومیها میگفت کردها زیر

بار اسارت یگانگان لرته، دست از

سرچشمه اختلافات ...

ایرانیان و ما نیز با همسایگان خود ...
مولوف وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی در راس مهمترین تضایبی سیاسی هفته قرار گرفته است و چون این اظهارات نقض تاریک سیاستهای دولتهایی را که به بهترین وجهی روشن نمودیم و یکم از سیاست جهان ماسخر پرده بردارند ما قسطنطای بر جسته آرا مینا در اینجا نقل میکنم :

« هشتنای ناپایدگی انگلیس و امریک که بقصد تحویل نظریات خود بر اتحاد جماهیر شوروی دستنای بر علیه وی تشکیل داده اند نتوانند تقاضاهای کامله ما را در کنفرانس پاریس مورد توجه قرار دهند و بدین ترتیب امکان اتخاذ هرگونه تصمیمی را راجع ب مسئله فرامات نطنی و همین ساخته ...

پیشنهاد آرتور جیمز برین که اگر چهار دولت در خصوص آلمان موافقت نظر حاصل نکرده مسئله آلمان میبایستی به سازمان ملل منتقل ارجاع گردد . در واقع مثل یک مغرور ترهیبی جدید و با بزنله اعلام فتح مناسبات همکاری با اتحاد جماهیر شوروی بود . غیر از لطمه به حیثیات سازمان ملل منتقل نیز دیگری ندارد و معلوم این جمله

« نیز (جمله بمنظور صلح) که در میان برخی محافل متداول گردیده چون فقط اینست که اراده دولت بر دولت ثالثی تحویل گردد - نتیجه مثبتی در بر نداشت . زیرا هر دولت متفقی که احترام و حیثیت خود را محفوظ می دارد حقاً و واقعاً اجازه نمیدهد که دولت دیگری اراده و نظریات خود را بر وی تحویل نماید .

« بهر حال موضوع قابل توجه اینست که در برخی کشورها بدون اعتناء به درسهای میرتی که از شکست آلمان امبرالیست حاصل گردیده باز جنگ تهاجمی جدیدی را تحریک مینماید و با طرح پانترسیم همود تصور بین تصورات ناشی از مسئله اینست و خیالات ناشی از مسئله امنیت و آینده های ناشی از تحویل و توسعه نفوذ آزادیگمی صلح را بوضع هیبتی تهدید کرده و البته های مخصوص دوسر میروواته . ولی این نماند باید بجهت که در کشور ما این خیالات هیچگاه وجود ندارد و ما ز صحت و سیاست خود که همواره صلح و پیشرفت جامعه انسانیت را هدف قرار میدهند کاملاً مطمئن هستیم »

در هر صورت موضوعی که بیشتر از هر چیز در نطق مولوف جلب دقت میکرد اختلافاتی است که در کیفیت سیاست همگانی دول بزرگ وجود دارد ولی باید اعتراف کرد که بدین اوضاع واقعی و آشفته سیاست فعلی به این سادگی امکان نیست زیرا دول امبرالیسم در زیر پرده کار میکنند . اما چیزی که مسلم خواهد بود اینست که دنیای آزاد و غنی از جنگ دانسته و نمانده بسوی هدفهای مجبور برده میشود و بدین ترتیب سر انجام صلح و دنیای صلحجوی بنشوش خواهد گردید .

تفسیر سیاست هفته

دنیای ایران در هفته پیش

در هفته پیش

در ایران ماجه گذشته است

تهران دعایق تاریخی و دشواری را میگذارد در بعضی محافل صحبت از ترمیم کابینه میشود زنده شروع انتخابات بگوش میرسد .

میگویند هیئت نمایندگی مخصوصی برای حل مسئله آذربایجان به آن منطقه خواهد رفت این قضایا و یک رشته امور دیگر پرده های ابهامی بر فراز تهران گسترده است .

زیرا دوره نهم پارلمان نقش دشوار و دقیقی بر عهده دارند .

و در خصوص اعزام هیئت نمایندگی به آذربایجان این عملی است که انجام خواهد شد چون بنظر میرسد که تقسیم اراضی و تجدید مالکیت گانهایی است که برای هموار نمودن راه این مذاکرات برداشته شده است بهر صورت امید این است که با ایجاد یک جبهه واحد ایران بسوی یک اجتماع مترقی و دموکراتیک پیش رود .

ایران هنوز تخلیه نشده است

اعلامیه دولت در هفته پیش حاوی این مطلب بود که ارتش شوروی ایران را ترک گفته است ولی ارتش متفق دیگر طبق مندرجات جراند طهران گویا هنوز ایران را تخلیه نکرده است و اظهارات وزیر پست و تلگراف راجع به دستکای سهم پوشش و انتصابات شهرداری جری و ایجاد تلگرافخانه نظامی در زاهدان موبه این نظرات

آینده

دولت حاضر تاکنون با اقدامات صحیح داخلی خود ، سیاست خارجی خویش را تکمیل نموده و تصفیه سطحی نیز که در دستگاه فعلی شد تا اندازه کفک به پیشرفت منظور دولت کرده است و بدین ترتیب جاده موفقیت برای دولت حاضریش و کم مساعد است اما در آینده بهترین سنت سیاست دولت باید در راه اصلاحات داخلی مصرف شود حل کامل مسئله آذربایجان و انتخابات صحیح آینده اساسی مسئولیت دولت را تشکیل میدهد بهمین جهت مقام بر هر مسئله دیگری باید بآینده و طرز عمل دولت فعلی توجه نمود .

نظر کلی به رویداد

های جهان

نتیجه انتخابات فرانسه چگونه خواهد بود ؟

دو روز دویست انتخابات مجلس فرانسه آغاز گردید و ملت آزاد فرانسه برای دویست بار بیای صدوق انتخابات رفت .

چنانچه اطلاع دارید دمرتبه پیش نتیجه مراجعه بآراء عمومی در فرانسه بر خلاف انتظار نتیجه منفی بشد و ده میلیون و هفتصد هزار نفر در مقابل نه ملیون و یکصد و سی هزار نفر بر علیه قانون اساسی فرانسه رای دادند و نتیجه این شد که چون بآراء عموم قانون اساسی وارد نموده میبایستی بنظور تعیین دویست مجلس موسسان انتخابات عمومی بعمل آید .

پس از شکست اخیر احزاب دست چپ همه متفکرند که در این انتخابات نتیجه نهایی بنفع احزاب (ام . او . پ . و . پ . او . ال) خواهد بود زیرا ملت فرانسه پشتیبان واقعی این احزاب نیست و برای اثبات نظریه خود فرانسویم اخیر و شاهدم میآورند .

ولی حیثیت غیر از اینست و ممکن است احزاب دست چپ ایشتریه پیروز گردند و حتی کرسیهای بیشتری دوبارلسان بدست میآورند زیرا نباید نتیجه منفی مراجعه به آراء عموم را دلیل شکست این احزاب مترقی دانست .

مجلس موسسان آینده ۷ ماه خواهد بود و در این دوره قانون اساسی جدید تنظیم خواهد شد ولی فونکتور در اینجا قابل توجه است .

۱ - ملت فرانسه باید مجلس مخالف است و در قانون اساسی جدید اصول و مجلس باید محفوظ بماند و در غیر این صورت این قانون هم تصویب نخواهد شد .

۲ - قانون اساسی جدید برای تصویب بآراء عموم واگذار نشود بلکه مجلس موسسان اختیارات درستی از ملت خواهد گرفت و قانونی متناسب و هم آهنگ با سازمان اجتماعی نوین فرانسه تنظیم خواهد نمود

بهر حال نتیجه انتخابات معلوم نیست چه خواهد بود ولی تا آخرین دقائق را دیو باروس مرتجاً تکرار میکند که « همه بانتخابات بروید »
یک قرصه جدید و عجیب
دولت امریکا ۶۵۰ ملیون دلار بوسیله بانک واردات و صادرات بملت فرانسه قرض میدهد و علاوه بر این مبلغ هفتصد و بیست ملیون دلار نیز اعتبار داده خواهد شد تا بر این مجموع کمک یا قرض امریکا یک میلیارد و سیصد و هفتاد ملیون دلار میشود .
ششم و پنجاه ملیون دلار که بانک واردات و صادرات میدهد قرض ۵۰۰ و برای ۲۵ سال است و در طرف پنج سال

اول دولت فرانسه بابت امداد چیزی نخواهند پرداخت و فقط قرض سالیانه را خواهد داد . پس از پنج سال اول تا اول ژوئیه ۱۹۵۱ اصل وام بطور اقساط سالیانه مستهلک خواهد شد و از ۲۲۰ ملیون دلار که دولت آمریکا اعتبار میدهد ۴۲۰ ملیون برای تسویه حساب وام و اجاره صدی هفت به سهام آلاهای که اکنون تحویل داده میشود محسوب می گردد و ۲۰۰ ملیون برای خرید کشتی مصرف می شود . این اعتبار بیست سی سال خواهد بود و در ۵ سال اول فقط ۵۰ ع آن از قرض عمومی پرداخت میشود و در مقابل این وام دولت فرانسه سه کرده است که یک سیاست آزادانه در تجارت پیش گرفته و قبل از اسفاد کنفرانس بین المللی کمرنگت در نمره کمرگس نسبت بامریکا تجدید نظر نماید و از طرف دیگر امریکا متعهد میشود که برای تسهیل صادرات فرانسه کمک لازم را بکند .

انجمن پادشاهان عرب خاتمه یافت

پس از پایان انجمن پادشاهان عرب که در کاخ الزهراد در لوزان قاهره منعقد بود ملک فاروق اعلامیه منتشر نمود و در طی آن اظهار داشت است که منظور از این کنفرانس آشنایی پادشاهان و فرمانروایان عرب بوده است و ما میخواهیم یک آرامش دائمی در بین ممالک عرب نشین دنیای قرار گردد .

دو خصوص فلسطین نیز تنها برهمنای آنجا بستگی دارد بلکه همه کشورهای عرب در آنجا ذینفع هستند و تقاضای اعالی طرابلس نیز کاملاً بجاست و نقلی مصر نیز باید انجام گیرد زیرا ما استقلال خود علامتیم .

از همه جا

کارگران راه آهن آذربایجان نیز بر طبق قانون جدید اعتصاب کردند - جلسه معاونین وزراء امور خارجه پیشترتی حاصل نکرده است - کنفرانس میسلا بیابان رسید - وضعیت هند معلوم نیست چه خواهد بود - صدای انفجار بس اتی که با حضور نمایندگان دول در ایوانوس کیر انجام میگردد از رادیو در ماه ژوئیه شنیده خواهد شد

قانون دامپزشکان
استانسانه و آئین نامه کلان دام پزشکیان در فرودین ماه به تصویب مجمع عمومی قانون رسید و آقایان دکتر سیامک ، دکتر کاظمی ، دکتر علوی ، دکتر جهانسوز ، دکتر زانی آذر در جلسه مجمع ۱۹۱۴ در ۲۵ طبق استانسانه از طرف مجمع عمومی عنوان هیئت مسدیره انتخاب گردیدند .
کوهستان - موفقیت آقایان دکتران دامپزشک را مثلثت و امیدواریم اکنون که آقایان به تشکیل قانون دامپزشکان میادرت هستند در سایه هسکاری و صمیمیت بتوانند خدمات قابل ملاحظه ای بکشور بیاورند .

در این وقت ابر شخصی ماه را پوشانید.

آریکو فریاد کرد: طاب کجاست آنرا نمی بینم - تاریکی بر طرف شد طاب در فاصله یک متری آریکو فرار داشت.

- غر بزبه و طاب را بگیرد. چند تابه بند هراس حس کرده که آریکو طاب را گرفته است لازم بود که او را بالا بکشد اما این کار فو...

زیادی لازم داشت محکم به درخت تکیه کرده شروع به کشیدن طاب نمود بالاخره کار تمام شد و آریکو در سطح زمین فرار گرفت اما از فرط خستگی بیحال بود. هراس متوجه شده...

مشول بهوش آوردن آریکو شد. در آن وقت او بهیچوجه فکر خطری که متوجهش بود نسپرد او فقط خوشحالی...

داناایل و از باطن برادرش مجسم می نمود. اگر میتوانست افکار و اندیشه های آریکو را دولاب او بخواند هر...

آیه از دهانی او خوشحالتر بود در حقیقت سعادت مرگباری که آریکو در زیر فشار سقوط آب قرار داشت نتیجه خفنی خود را داده بود دعاها و خواش های داناایل بالاخره انجام شده بود.

آریکو دره وقع افتادن ابتدا به درخت برخورد کرده پس از آن بر روی تنه تنگی پایین تر از درخت افتاده بود با دودست تنه تنگ را گرفته و مانع از سقوط خود شده بود. با تمام قوت خود وضعی میتوانست در مقابل آب مقاومت...

کنه بیچاره هرگز نمیتوانست امیدوار به کمک خارجی باشد. راه باوریکسی که در آنجا قرار داشت محل صود کسی جز راهزنان نبود و او میدانست که اینها...

این زودی پلن خواهند گشت. صدای اوهم رفت که بلند باشد در میان صدای غرش آب به راهزنان نپوهاده رسید در حقیقت چیزی نمانده بود که آریکو دست از مقاومت بکشد و خود را تسلیم...

برگ نماید. در لحظات آخر خطا های گذشته خود را محسوس می ساخت چنانبات خود را بیاد آورد آنوقت صدای داناایل...

بالحن تسلی بخش خود در گوش او طنین انداز شده! خدا گناهان تورا می بخشد با ایسان باش و از این کار دست بردار. در آنوقت از اهلال گذشته خود...

پشیمان شد و از خداوند درخواست مغفرت و کمک نمود. پس از اینکه بهال آمد تنگامی به هراس نوده پنداشت و داناایل است و او را با اسم خواند زیرا هراس لباس داناایل را بر تن داشت ولی...

بعد او را شناخته گفت: پس داناایل کجاست. هراس جواب داد او در غار است آریکو بیشتر دقیق شده بالحن و شناختگی...

گفت محسوس انگلیسی!! - پلی من هستم، و خدا را شکر که نتوانستم شارا نجات دهم!

اما این صدا چیست! صدای هدیه گلوله باران در فاصله کمی شنیده میشد.

هراس کمی تأمل کرده سپس گفت: اینها سربازان هستند. آریکو صبر کنبد شا و برادران از بندگی و اسارت نجات خواهند یافت. شا بالاخره خوشبخت خواهد شد.

ترجمه آقای منصور شهنواز

مفاره دزدان

۴۴۵

دل نوری دارید و مطمئن باشید من و مادرم بعد از این بشما کمک خواهیم کرد و نامه غلو من اوتا گرفت.

آریکو چشمان را بطرف آسمان بلند کرده گفت: نامه غلو من اوتا آنوقت دو یاره غلو کستا هاش فکر نکرده بود.

فصل در ادرهم

پیروزی

داناایل در پشت دوختان جنگل مغمی شده با چشم راه فراری را تعقیب میکرد. وقتی پیروزا دید که دست روی شاه او گذاشت لرزش از ترس سربایش را گرفت.

ولی پس از اینکه دوست جوانش از دست پیتر و نجات یافت خدا را شکر کرده آنوقت چون دوباره سر نوشت هراس امینان کامل حاصل نمود با قدم...

های آهسته راه غلو را پیش گرفت. در اولین لحظات آزادی بهراس گفت بود که مرگ را با خوشحالی استقبال خواهد کرد اما اکنون قلب جوانش به...

زندگی علاقمند بود و او میخواست بهر وجه شده از انتقام مائو فراوان کند او میدانست که رئیس دزدان از مرگ...

پس آگاه شده و وقتی هراس را پیدا نکند از داناایل که او را فرار داده است انتقام خواهد کشید پس برای او هم چاره ای جز فرار نیست.

راهی برای فرار جز همان مسیر باریک کنار آشار موجود نبود و بدون شک اگر داناایل بخواست از آنجا عبور کند...

پیتر و او را شناخته و بالتبینه از فرار هراس مطلع میشد اما چاره بود بپلاوه در میان تمام راهزنان پیتر و محبت...

مهربانی مخصوصی نسبت بوی ابراز می داشتند او باطمینان همین دوستی و صمیمیت بطرف آشار برای افتاد پیتر و در کنار آشار قدم میزد او در همان اندازه که...

داناایل میامد را میبرد اما وقتی هراس در زیر آشه ضعیف ماه داناایل و بنا موعای زولیده و صورت رنگ بریده در برابر خود مشاهده کرد با خود گفت...

داناایل هم الا از اینجا گذشته است شاید این شیخ آریکو بود است چند قدم عقب برگشت حالت دگرگون شده و بهیچوجه متوجه داناایل نبود.

تبل از آنکه بهال آمد داناایل بی مسافتی را پیسوده و از او دور شده بود از این حادثه عجیب مدت و مبهوت برجای خشک شده لحنه می بند صدای تیربارانی...

که هراس هم شنیده بود بگوش بوم رسیده و بزودی دریافت که مائو با سربازان در کشکش و جدال است.

آریکو و هراس هنوز نپیدا شدند که اینها اصحاب بتوسط چه کسی فرستاده شده اند. در حقیقت خام کلولا نوقتی از اقدامات خود در نا بز برای آزادی...

سرماتو نتیجه نمی گیرد با پنداسکورت قوی از سربازان بطرف ستایشی روانه میشود. راهزنان که جز با نمان مادام...

- پلی من هستم، داناایل هزیر - خدا مرا از مرگ نجات داد تا او را دوست داشته باشم و ترا خوشبخت گردانم.

- آه من همین الان چون تو می میگوئی خوشبختم، گوشش من تمام شده و اکنون میتوانم پراحتی ببرم.

آریکو فریاد کرد: غیر از مرگ صحبت نکن! تو برای هدایت من زنده خواهی ماند. من بی تو در دنیا چه خواهم کرد!

- آریکوی هزیر من، خدا ترا تنها خواهد گذاشت اینک او مرا بز خود میخواند تو نیز سعی کن که غمگندار باوقافی برای پروردگار خود باشی و...

هرگز ایسان محکم خود را از دست ندی و داناایل آریکو را در بازوان خود فشار داده بزمین افتاد: هراس دست هارا روی سینه او گذاشت جوان انگلیسی...

در حالی که چشمانش بر ازانش بود از دوست با وفایش برای همیشه خدا حافظی کرد.

داناایل نگاه محبت آمیز بهراس و برادر افکنده و برای همیشه چشم از جهان پر بست.

...

خاطرات داناایل - زنده گانی بر از مبارزه و فداکاری و مرگ راحت و آرامش هرگز از قلب هراس و آریکو بیرون نرفت.

آریکو با کمک و وفای انگلیسی خود و نیز بواسطه خدمات سابق پدرش فرمان بخشش خود را دریافت داشت.

هیجان هایی که در دوز و حشتناک مرگ برادر و نیز غرق شدن خود در قلیش ایجاد شده بود از آن اثرات روحی...

باید یاد کرد. همین هیجان اثری در تکریماتی نگذاشت. ما نتیجه خفنی خود را بشنیده و از دزد و راهزن قدیمی مردی پارسا و لیکو کار...

باز آمد. اما هراس اسارت خود را در نزد مائو خوشبخت ترین روزهای زنده گانی خود شمرد. صحت های او با داناایل و...

قرات انجیل چشمان او را باز کرده هدایات خود بینا گردانید. در ساعات تنهایی و انزوا، در حالی که به ایام گذشته فکر میکرد تصمیم های خوب...

برای آینده خود میسرفت و این یاد بگر مدات بدی مانده کبر و غرور و لجبازی و غیره در او دیده میشد.

خاتم کلولا نه هم از روزی که پسر خود را دوباره بدست آورده مائو خوشبختی گردید او هرگز از اتفاقات پیشین اظهار تأسفی نمی کرد زیرا می دانست سعادت و خوشبختی کنونی او...

را همان گذشته ها باعث گردیده است پاپان

ورود تهران

آقای حاج میرزا اسداله خان مننده وزیر که چندی به کسالت شده بدینلا بودند دو سه روز است جنبه معالجه به تهران وارد و در منزل آقای مننده وزیری حیاتیان زاله کوچه غیر افسامت گزیده اند.

نزرگان کرد را بشناسید

بلم آقای ابراهیم نادری

امین زکی یک

یک دانشمند معروف کرد

در سال ۱۸۸۰ میلادی در شهر سلیمانیه واقع در کردستان عراق طفلی قدم بر سر موجود گذاشت ، نامش محمد امین و پدرش یکی از بزرگان آن شهر و نامش حاجی عبدالرحمن بود.

محمد امین دوران طفولیت خود را دوش بدوش امین فیضی یک که یکی از برجستگان کرد بود در یکی از مکتب های همان شهر به تحصیل پرداخت و در همان مکتب زبان فارسی را نیز آموخت پس از آن وارد مدرسه رشیدیه به نظامی شهر سلیمانیه رفته و پنهان از پادشاه انگری بندها رفت و تحصیلات عالی خود را در آنجا گذرانید و در سال ۱۹۱۲ با درجه سروانی در ارتش عثمانی خدمت میکرد دو سال ۱۹۱۵ برای بار دوم در دانشگاه عباسی ارتش عثمانی وارد کورتنکیلی فرمادهی عالی جنگ را با تمام رسانید در اواخر هیئت سال بود که شهرت او در میان ضلای پیچیده و متفلسف فلسفی را همیده داشته .

در جنگ بین المللی گذشته امین زکی یک یکی از فرماندهان عالی مقام متحده آلمان و عثمانی گردیده لیکن و کاروانی و رشادت و قدرت او باعث گردید که از طرف دولت عثمانی به آلمان و فرانسه و دیگر کشور های اروپا اعزام گردید تا مطالعات نظامی خود را تکمیل نماید .

چندین سال در آکادمی های نظامی اروپا گذرانیده سپس به ترکیه مراجعت نمود . پس از پایان جنگ و انحلال امپراطوری عثمانی به عراق مراجعت کرد پرورد باین کشور فرماندهی دانشکده امسری عراق منصوب شد بعدها که از آن کارکنان کبری کرد از شهرستان سلیمانیه جوان نابنده مجلس انتصاب و در دوره امین زکی خود به بهترین وجهی از حقوق مسوولیتش دفاع نمود و در سایه فداکاری او بود که در این مدت ترقیات محسوسی در نواحی کردستان عراق پدید آمد.

دو سال ۱۹۲۵ به سمت وزارت پیشه و هنر عراق منصوب و پس آن همیشه شاغل پست های حساس بوده است . در تمام اموار خدمت نهایت جدیت و کوشش را نمود و تا آنجا که توانسته است به جامعه خود سرفرازانه خدمت نموده است بطوریکه کثرت نسبی را میتوان یافت که بتواند خدمات او را در عراق انگار نماید .

امین زکی یک علاوه بر اطلاعات و شعوبت نظامی در تست تاریخ و ادبیات کرد پد طولانی دارد آثار گرا بیهای او که بزبان های مختلفه ترجمه شده است از بهترین یادگار های این مرد بزرگ میباشد . یکی از تالیفات مهم او که امروز فوق العاده مورد تقدیر و استفاده جوانان کرد است تاریخ ز کرد و کردستان است میباشد که به تصدیق مورخین محسوب

جامسترین تواریخ کرده میباشد این کتاب که بزبان کردی نوشته شده در سال ۱۹۳۹ از طرف یکی از معارفین دیگر کرد آقای محمد علی مویز رئیس کتاب خانه یادشاهی مصر در قاهره ترجمه و چاپ گردیده است

آخرین مرتبه ای که نگارنده سادت زیارت جناب امین زکی یک را داشت در سال ۱۹۴۵ در بندها بود . این مرد بزرگوار در خانه و اطاق کارش به روی محسوم افسرد کرد باز و مخصوصا به دربان خود خدمت گذاران میرده بود که ملاقات من برای کرد هاستنمزم هیچگونه تشریفاتی نخواست بود هر وقت هر کردی بیاید بدون اخذ اجازه باید او را بنزد من راهنمایی کتبه .

جناب امین زکی یک با اندام کوچک و لاغر خود و با وجود کپولت من و ابتلاقی به بسیاری رومانسیم مزمین و با وجود اینکه حرکت برایش بسیار سخت و ناراحت است از هر تازمواوری با نهایت مهربانی و مودت پذیرائی نموده

بقدری شیرین سخن و خوش معاشرت است که هر بیننده و انور از رفتن نزد وی سزاد این مرد ملی با وجود لالای کاری مزاج و با وجود روح بردن از سر کت در تمام مجالس ملی کردی شرکت نموده و مقدم او در این قسم مجالس بقدری محترم است که از هنگام پیاده شدن از اتوبیل تا رسیدن به جایگاه خود پروردی دست جوانان کرد حرکت داده میشود بطوریکه دو آغاز یکی از سخن رانی های خود گفته بود : من متعجب باین هستم که به بازوهای توانای جوانان روشن نگر کرد ارتکاب کرده ام . او از دیدن جوانان کرد شاد میشود و می گوید از چشم من باید به دیدار جوانان دروشن فکر و شون پاک کرد روشن گردد هر چند که درد و آلام من روبرو از دیدار برود .

زندگانی طفلی این مرد بزرگ در اطاق کوچکی است که اطراف آنرا قفسه های کتاب قرار گرفته و تمام وقت او صرف مطالعه میشود .

امین زکی یک در زبان های فرانسه انگلیسی - ترکی - فارسی و عربی بسیار تواناست دو دختر روشن فکر دارد که همیشه در مصاحبت پدر و اسب ملاقات بسر می برند .

امین زکی یک که دیگر خودی تواند مطالعات خود را بر پشت تحریر در آورد از همکاری دختران خود استفاده نموده مطالب را به آنها دیکته نموده و آنان نیز در ترجمه شاعر پدر در راه روشن بودن تاریخ مغرب و بزرگان کرد و آثار آنها از ایشش مضامینه ندارند مثلا کتابی را که اخیرا امین زکی یک تحت عنوان « مشاهیر کرده و کردستان » به کردی نوشته بوسیله یکی از دخترانش برین ترجمه و بطبع رسیده است .

نگار اف از کردستان

حضور حضرت اشرف آقای نصرت وزیر شش کبیه اطلاعات کبپان کوهستان ایران ما کوه اور رهبر اخیرا چند نفر معلوم الحال بعضی اشخاص متصرفانته جو را تحریک کرده که نسبت به ما میل محترم وزارت و جناب آقای فرج الله آصف به عنوانی مسئله اظهارات «مرضاة و یک دهنه چون همه آنها بر خلاف حیثیت و تمامی از روی اغراض شخصی است محل حیرت و مطالعه آن موجب انزعاج عموم اهالی این ولایت گردیده از آنجائی که حضرت اشرف آقای نصرت وزیر بهتر از هر کسی خدمتگذاران واقعی را شناخته و سابقه تاریخی تمام افراد بصیرت و اطلاع کافی دارند که خانواده آصف در ایام موافق سبب به و ملت خدمتگذار بوده و از روی وطن خواهی و حسن نیت خدمات ملی و دولتی را انجام داده اند قطعه اهالی کردستان امتنان و علاقه خود را به آقای آصف «ه سالها است با ایشان تماس نزدیک و کامل داشته ابراز و امضاء گینه گان زیر برای رفع هر گونه سوء تفاهم و روشن شدن ذهنان محو هم و امتنان هرگز نسبت تکذیب آن مقالات و امیزه انزعاج و تنفر ملی خود را نسبت با اظهارات این گونه اشخاص نموده جو معلوم الحال عرضه میداریم .

بدالعظیم مجتهد محمد کریمی مدرس معبود ملتی امام جبه علی نصر الملانی معده شیخ . اسلامی علی شکیبا مدرس محمد کریم مدرس صدی مدیری احمد مهر مدرس پناه لادن مدرس ملا معبود معنوی مدرس محمد حسین بهالهدین مظفر اعظمی ملا الهین محمد اقصی عید الله کریمی مدرس احمد قیامتی احمد الاسلام بابا شیخ مردوش روحانی محمد اعتماد کبیر داد کشتی بهاله الدین حسین شسی پیشیناژ مشهد ماشی میر - ابوظالب احمد عید الله کانی مشکانی یشناز محمد صدیق مفتی زاده موسی مشیری حاج احمد شمس العلاج محمد صلاحی کریم دیباج زاده معبود رحیم زاده حاج عبدالصمد صابولی حسین قماش جیب معده امین قطبی جیبی بزونی العاج محمد کریم خام فروش جیب الله فرزند معده علی ملکی العاج محمد

حسن برادران علی بزکی سید عبد الرحیم صادق سید الرحمن صابولی ناصر خام فروش معده امین صلاحی غلام رضا بخاری سبط فروش معده علی بهرامی حاج خان معده رشیدی حاجی معین الدین بهرامی معین الدین قماش جیب عبدالرحمن معنوی اسحق معنوی شکر جیب احمد امین مراد پرواسمیل بهرامی احمد زرگری علی نفی علی بنه شیخ سید الله بندهادی معده بندهادی عبدالرحیم وطن دوست علی اکبر مظفری معده علی معده معده فخاری بنال سید الله حتم طلاق معده شکیبائی علق معده امین معطلانی معده راه حق معنوی قوش ابراهیم الهیالی تهرانی بهاله الدین علی ایحیالی علی نیازمند وکیل دادگستری فیض الله بدوشی معده سلیمان روز معده کریماسی خانده هروان خیاط نبش الله زمان روز معده موسی کاشانگر خیاط معده و شهروشن خیاط آقای دقیق قاد ابوالقاسم حاج حسین قیسی وزیر رفیس مطایفه وظیفه دراوش کردستان حنیفه عید الفتح علی قادری سید جلال الهیبت صلاحی خلیفه ملا حسین آرزومندی صمام الدین حسین معده اله اعناری کریم بوملی معده صدیق بگری محمد صدیق سعیدی بابا شیخ آقش بندی مولا احمد اله موتن معده زاهد جلالی علاء الدین مولانا معده کریم معنوی عید الصید مولا الفی معده قاد معنوی نصرت اله رشیدی معده معنوی عبدالرحمت حسین قبه معنوی تقی سید عبدالحمید معنوی صلاح الدین معنوی عبدالله طلبه معده امین احمدی بدو که اولی معنوی الدین امین رحیمی عید القادر ملائی معده کریم معنار موسی معده لیکو کور معده شریف موسی سلیمان میرداری معنود موسی فخاری معده باکر حسیب الله ذهبی معده صدیق ذهنی احمد الله ذهنی فیض الله الدانی معده روف ذهنی معنود ذهنی فرج الله مظفری احمد مظفری سید الله مظفری پید الله مظفری حاجی زوال شار عید الله اختری فیض الله کتالی معده وحیم زرفشان نظام معنوی سید نصر الله لانه سرین معده قادری معده امین خیزان اف ناصر انبالی بود معده سید صلاحی



مزر تهران نشانی تلگرافی ستاره غرب

نشانی پستی صندوق ۴۵۹

روزنامه ستاره غرب روزنامه ایست سیاسی اقتصادی اجتماعی علمی - ادبی - کاریکاتوری روزنامه ستاره غرب بستگی بی هیچ حزب دوست ندارد مردم آن خدمت به فرهنگ عمومی و میجاهد در راه تحکیم مبانی مشروطیت و دموکراسی و استقلال کشور ایران و هدف آن ترویج افکار عمومی و نشر حقایق است . روزنامه ستاره غرب مکتب میاریست که فذائل و قانون مختلفه را بطرز بی بدیع در دسترس علاقمندان میگذازد برای اشتراک - نمایندگی - غیر نگاری مکتبه فرماید

کرد و کردستان سنه اردلان

- ۵۸ -

لیکن باید خانه رعایا و برابا و
تاچین دین احمدی و مقلهین علاوه
شریت مهدی مبارک علیه و آله از عالم
وعالی و وضوح نامی بهسبب عجبوار
خود که مردم مملکت همنوستان است نظر
کنند که حالت مسلمین دو ایست اسلام
استیلائی آن فرقه خلالت اثر در آن بو
و بر چگونه است و تاچه حد رتکنای
بیچارگی متعبر و آزاره مانده اند از
جمله مداخله در امر مذهب ایشان است
که قدغن کرده اند اسوان مسلمین مستر
وجوه را که اعظم اومرو احکام فریت
است موقوف داشته بدون سائر باسواق
و سلات بقاعده فرنگیان بر آینه و همچنین
اطفال خود را تا سن ۱۸ غتت نسیانه
که آنوقت اگر خود طالب متابعت
دین مبین شده نختت نایند و الا هر مذهب
خواست اختیار کند و یقین است پس از
۱۷ سال بسیار شاق است بر شخصی که
خود را خفته نماید . و لابد است مذهب
اساری اختیار کند و کذلک تر آن و کتب
احادیث خطی را کسی مدامت نسیاند
چه هست ضبط میکنند و عویش بکافلهای
بسیار نازک باسه می نایند که اثری از
آن باقی نماند و از این قبیل کارهای
بسیار که همه سبب تحریک فریت ایراد
است در آن سرزمین بنا گذاشته و از آن
طرف بهر کسی از قدینه سرافا داشته
و دارند چسا باسه قرض برای دولت
گرفته کافله اسکناس داده اند که بانک
زمانی تلف و مباحود مردم بیچاره لاشی
مضض مانده اند چنانچه بگرات تجربه
کرده اند که اگر کسی پولی بدولت قرض
داده و خواست استرداد نماید غیر
مقدور بوده و مادام العیون باوند اند
و بعد از آن نذیل نفس را که
اسکناس میداده اند موقوف داشته اند
هكذا حالت راحت و سرافت رحمت
انگلیس چنان است که در مملکت اسس
را آزادی گذاشته اند لیکن اگر کسی
بخواهد اسس بلکه سگی نگاهدازد او
مالیات بگیرند . اگر پنجره بهانه اش
بگذارد باید مالیات بدهد و حیت بیچاره
چر کاسه چوبی و کافله یاره که اسس
اسکناس گذاشته اند هیچ ندارد . اگر در
اول مردم بیچاره را نریخته برب مالک
آن مملکت و سبب شده سالها در ایام
استیلا چنان کرده اند که اگر قرن دیگری
بدین نحو بگذرد اثری از دین در
آن سرزمین باقی خواهد ماند . به
به دیناری از دولت و ثروت بلکه جمیع
امیان و اعظم را غنط بطلان کشیده و
از درجه اعتبار سائط ساختند بر خلاف
اهل ملت و رحمت من که خودمان و
بهر اسان آنها را منزل مهال خود دانست
و میدانیم که اگر دوست بسنجند گذشته
از آنکه حفظ دین مبین خود را می نایند
بر آنها واجب است پاس حقوق ما و
بهران ما بعد از آنکه غمب بسا ما
دشمنی کرد بموفاقت نالی بر خود قرار
است.

از سندج

اوصاف کرد

از نظر حیران

کوی کره قربان له مرضم چا که پنهای بی
تا بسیم و سالی زادی کسره و نسیانی بیسی
کرد ای کسیر و دیا و جهل و نادانی بیسی
ظالم و مودی بیسی ، پالی له بزدانی بیسی
ناموی او کسره ، اوصالی نیکا بیسی

×××

کرد ای انکاری امر و نسی . ای بی
که سینه و روت و روت کرد و چانی بیسی
احتکار و خوین مزای و فوج و بیخانی بیسی
دزد و فتنه و شکر و چسانی و قبا سانی بیسی
ناموی او کرده فرمی روزی دیوانی بیسی

×××

کرد ای برهانی فری بی ، سیبا و نودالی بیسی
مست و مضوری شراو ، ترهک کیشانی بیسی
غانسی مرلوت و ، قل لونسل له لای شانی بیسی
سینه رو تو کیف پدس ، لوسور خیابانی بیسی
ناموی او کرده وجه موی میردانی بیسی

×××

کرد ای خوشی ملا لای او پله نالی بیسی
پدل وجودی کم له ریزن هوری بیسانی بیسی
گسر پذیرانی قیر و شاو هستیوانی بیسی
دایه میوان له سر شوای تا شوای بیسی
ناموی او کرده دس حاتم له گیر نالی بیسی

×××

کرد اگر اتلی و اشجع فضلای هابانی بیسی
حاکم و حکسی له روی فرمی مسلمانی بیسی
شاه و نوزین و پیاده واسی جولانی بیسی
سر رقیبانی له خانوی گولی زندانی بیسی
ناموی او کرده دس سر آینهی قربانی بیسی

×××

کرد اگر آزادی و ملت پرستی جزو ایسانی بیسی
با شهامت خدی کفشار و توانی بیسی
کیان فدای ام شکسته و زاری منانی بیسی
روز و شو بویی سبایی اشکی مرجانی بیسی
ناموی او کرده ساور دیتی کلیانی بیسی

×××

کرد وک بیواز بی مندی له باهانی بیسی
زور به ناموسو قیسور بیسی پادی هیبانی بیسی
خسته بر جسته بیسی سستی قربانی بیسی
هل داری دشمن و کو شیر ، یاکی کرگانی بیسی
ناموی او کرده فدای مرزی هراوگیانی بیسی

×××

کرد اگر هاوارت و رویه کسکالی بیسی
هری عریلی جیکه داری باسه بیسرانی بیسی
گر منافی زهره و سرخی و کیوانی بیسی
کیوز بهر تاوانت مشتقی خلرکی ویرانی بیسی
ناموی او کرده مشتوقی له دامانی بیسی

×××

کرد اگر شیوه هزیر و قهرمانانی بیسی
دشمنی وک روسم له سر خاکی بیسکالی بیسی
غوی اهدانی کسو سینه له چنگالی بیسی
منز وگله ظالمی وک گوله کوچانی بیسی
ناموی او کرده سامی سام نرسامانی بیسی

×××

کرد اگر سلطان صلاح الهین سلطانی بیسی
هیبت و دیناری نادر شاه و بیمن شا و کریمانی بیسی
ناله و دلگی دو طبله هند و افغانی بیسی
هاری موسلو گر بولا و پشاده میغانی بیسی
ناموی او کرده سه «حیران» حیرانی بیسی

بلام آقای سلیمان بوسی نیاسه منون

کرمانشاه متروک

۲۰ -

منتهی بای

۳ -

دوشنبه ۱۹ اسفند مقالات کرمانشاه متروک متذکر شدیم که دولت باید به وضع زندگی مطابق مذاکره منتهی بای توجه لازم درین داشته و در ازای مراتع از دست رفته آنان معادل شایان و مراتع فراوانی باغشمار آنان بگذارد اما قسمت بیلاتی مطابق - نهایی که بیشتر آن در جنگه آباد و حاصلخیز ماهیهدشت و کوه پایه های آن است قریب سیصد پارچه ده آباد و دایر میباشد .

این دهان غالباً متعلق به مالکین حده شهرست کشاورزان منتهی بای مثل همه دهانان ایران از قسمت بهداشت و فرهنگ محروم هستند با آنکه هر سال چند صد هزار خوراک غله مازاد آنها به کرمانشاه و در شهرهای دیگر میروند خود رعایای منتهی بای و خوارسار کافی ندارند مشکلاتین بلیه می که مردمان زحمت کش این بخش آبادیان دچار هستند بسیاری مالاریاست که متأسفانه تاکنون کوچکترین اقدام برای جلوگیری و رفع خطرات آن نشده است در دهستان های پر جمعیت منتهی بای بیش از چهل مدرسه ابتدائی و چندین مدرسه متوسطه برای تعلیم عمومی و اجباری دایر شده با آنکه منتهی بای بسیار مستعد و مایل به تحصیل میباشد متأسفانه از دست تعلیم و تربیت محروم هستند .

برای اصلاح این قسمت لازم است توجه بیشتری به راه ها و جاده های آن بشود .

یک یاد و جاده اتومبیل رو و چند لی برای ارتباط آن نواحی بکرمانشاه و نقاط دیگر نهایت ضرورت را هواراست با دایر کردن وسایل ارتباط و تاجیس چند پست صحن و ایجاد مدارس ابتدائی و کشاورزی باید برافه حال سکنه آن سامان کوشید .

و برای تأمین هزینه های این اقدامات میتوان حواشی از آن سرزمین گرفت که باسانی مصالح را تکانو نماید . و علاوه باید بازصلاح اداری این ایل و سایر ایلات توجه کامل میتوان داشت تا مردمان آن از لذت آزادی و عدالت بشام منی بهره ور شده وزیر فشار باز ظلم و تجاوزات پیشاز زاندارم و سر باز و نامورین دیگر قرار نگیرند و بملت و دولت و آینه خود خوشبین باشند .

در اینجا که شرح مختصر منون راجع بایل منتهی بایان یافته لازم می دایم قبل از شروع به بحث های دیگر و پیشنهادی در زمینه اصلاح و اداره امور هشار با براری محترم دولت و خوانندگان گرام تقدیم داریم لذا مقاله گذشته آینه را باین پیشنهاد احتیاس خواهیم داد .

قابل توجه وزارت فرهنگ تذکراتی از کرده ان

جناب آقای نخست وزیر و سرورنوشته جناب آقای وزیر فرهنگ رونوشته روزنامه کوهستان رو نوشته روزنامه رهبر محترما پیش میرساند امضا کنندگان ذیل هر کدام بتوبه خود مدت مسهیدی است که اختصار آموزگاری را پیدا کرده و با خلوص نیت مشغول انجام وظیفه مقدس شده ایم البته تصدیق خواهید فرمود که متون آموزگار از ابتدا ناچیز بوده آموزگاران منتهی بای مخصوصاً از همهجا بیشتر عیب مانده اند یعنی حقوق آموزگاران این شهرستان بقدری ناچیز است که از مرد یک عده کمتر میباشد بدیسی است زندگی آموزگار بساید تأمین باشد تا بتواند با مسیبت کامل ادای وظیفه کند در تاریخ بهمن ۲۳ بنام ترمیم و کمک بآموزگار قانون تعلیمات اجباری وضع و کار آمدن رارسه نودند صرف نظر از آنکه رعایت سنوات خدمت شده مثلا اشخاص که در حدود ۱ سال سابقه آموزگاری داشته با آنکه سال سابقه داشت مساوی و یک پایه شده تازه باشد که از تاریخ صدور ابلاغ حقوق پایه بکمتر ترمیم شود عده از مقام وزارت تعلیمات ترمیم میگردند مرتب بوسیله بخش نامه های که بخش میشد ترمیم میدادند که وزارت فرهنگ مشغول بخدمات پرداخت است و بزودی ممری نامه ارسال میشود هر کدام بکمتر اینها حقوق آموزگار و زحمتکش ضایع میشود تا مدت ماندیم اخیرا برای آموزگاران که با پایه یک مشغول کار شده هر کدام

دربال با کمتر یا بیشتر بلا ترمیم رسیده که با مران حقوق نموده شده فرق نمی دارد میخوانیم به نام مکرر وزارت فرهنگ پایه یک آموزگاری را ۹۶۰۰ در بال همین نکرده پس چرا بعد از یک سال تازه بآموزگار پایه یک ۶۰۰۰ در بال و کمتر بیشتر میدهند آیا فرق آموزگار فرار دادی با رسی فقط پرداخت کسوفتقاغه و صرف نظر از یک ماه حقوق بوده آموزگار باید یکسگی منگی باشد - واتی حقوق حقه که برای او نموده شده پرداخت میکنند چگونه حاشه انتظار دارد که آموزگار وظیفه خود را بشودا حسن انجام دهه وزارت فرهنگ که حامی آموزگارانست ستوفش را از بین برد یکسگی و کجا باید پناه برد اخیرا شنیده میشود که حقوق بانوان را باید کمتر پرداخت آیا زحمت بانوان آموزگار کمتر است یا جای ه ساعت خدمت دو ساعت خدمت میکنند یا اینکه چون در شرع اسلام بانوان نصف مردان مهم میرند این اقدام شده متأسفانه این قسمت مربوط بکار و زحمت است ، سهم و قسمت در سخن رالی ما گفته میشد چون بانوان صبر و حوصله بیشتر دارند و بتسهام منی مادرند باید از وجود آنها برای تعلیمات بیشتر استفاده نمود پس چرا وزارت منبوعه فکر تأمین آسایش بانوان آموزگار که بیشتر رفیع میرند و زحمت میکنند نیست نه بطور مادی و نه معنوی در مقام تشویق از آنها بر نیایند و در عه جا تمییز قابل میشود

هنگی یا بی صبری کامل منتظر حق

آگهی حصر وراثت

آقای اسداله صادق وزیر در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که جبهاله صادق وزیر پرش ملیم دانی منتهی فوت نموده وارث او منعمصر بدرخواست گذشته (بدر) و سه پسر (نستاله بهاله بن هر اله بن) و دو زن (عساده خانم - فاطمه خانم) بوده پس هر اله بن بلا اولاد نیز وفات یافته وارث بالا تصاراش آقای اسداله صادق وزیر (چه) و فاطمه خانم (مادر) و دو برادر (نستاله بهاله بن میباشد بستند گواهی نامه معلی و رونوشته شاستامه برای استفاده از کلیه تر که متوفیان صدور گواهی ضرورتا است خواستار شده - لذا مراتب سه بار مثالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی را خواهد داد و یا وصیت نامه رسمی و سری نزد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه بایست دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی ش آ ۲۰ ۳-۲

آگهی حصر وراثت

حمیده خانم شوش کلامیان در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که آقای موسی تاراجی مقیم دانی منتهی فوت نموده وارث او منعمصر به مشارالیه (زوج) و یک پسر (محمد هدیز) و دو دختر (نگار - توران دخت) بوده میباشد هر نیز نامرده نیز فوت کرده وارث بالا تصاراش حمیده خانم (مادر) و نگار و توران دخت (خواهران) میباشد بستند گواهی نامه معلی و رونوشته شاستامه برای استفاده از کلیه تر که متوفیان صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده - لذا مراتب سه بار مثالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی را خواهد داد و یا وصیت نامه رسمی و سری نزد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان خیامی ش آ ۲۱ ۳-۲

آقای حبیب بیبی در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که جبهاله کبابی پرش ملیم دانی قریه دکایران حومه منتهی فوت نموده وارث او منعمصر بشارالیه میباشد بستند گواهی نامه معلی و شاستامه برای استفاده از کلیه تر که پدرش صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب سه بار مثالی در روزنامه رسمی مجلس و روزنامه کوهستان درج میشود اگر کسی را خواهد داد و یا وصیت نامه رسمی و سری از متوفی نزد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود رئیس دادگاه بخش کردستان خیامی ش آ ۲۲ ۳-۲

بایمال شده خود هستیم هریرالدولک معرفت فقرا لذات برای هاجر برای وجه الدولک اودلان درخشنده - پرواه طاهره معرفت عزیز صادق وزیر حاجیه شاه و بی سعادت وجهه مشهیه عزیز حاجیه شایسی شهابی سعادت خلیقی صبری شرفیایان نصیبه اداری بقول نادری فرشته شرفیایان بیعت شام بیانی خط امضاء بانوان آموزگار را گواهی میباشد به مدیر دبستان شاه دخت معرفت

مردم ملی منتشر شد

اولین شماره روزنامه مردم ملی را در این هفته دوپاقت داشتیم - آقای دکتر گروسیان مدیر مسئول و صاحب امتیاز روزنامه مردم ملی با انتشار این جریده بصف مطبوعات پایتخت پیوسته چیزی که ما به غرضی است این است که در اولین شماره توجه خود را به زادگاه خویش یعنی گروس مطوف داشته و امیدواریم در این خدمت ملی که شروع نموده اند سعی نمایند گروس را از اثر اهریسان قساده نجات داده یا مبارزه مجدانه داشته عناصری را که مدت هاست موجبات بدبختی سکنه این ناحیه را فراهم نموده اند بر کت .

قطعا ایشان فراموش نخواهند نمود که روزنامه کوهستان در راه تأسیس آسایش اهالی گروس و مبارزه با عناصری که موجبات سلب آسایش مردم این ناحیه را فراهم نموده اند از همکاری و ترویج و صیانه دریغ نخواهد داشت

آگهی

چون اغلب اشخاص به تدریج روزنامه مراجعه کرده آدرس آقایانی را که از نواحی مختلف کردستان بطهران وارد می شوند از ما متوال می کنند به توجیه باطلاع عموم میرساند هر یک از آقایان که مایل باشند ورودشان بطهران با اطلاع دوستانشان برسد میتوان به تدریج روزنامه مراجعه در صورت تسهیل ضمن اخبار کوچک هم ورودشان چاپ شود .

انتشار روزنامه خرد

روزنامه خرد با مسکی بسته شده و جالب بطور روزانه از دبروز منتشره ضمن خواننداری موفقیت در راه انجام خدمات اجتماعی بسیار محترم آقای بشارت انتشار خرد را صیانه تریبک می گوئیم

کوهستان

مراجعت به کرمانشاه

آقا دکتر سعیدی که از دهان بزشکان مهرب و بسیار آزمونده هست چندی قبل برای تکمیل وسایل کارش بطهران مسافرت و پس از تهیه لوازم کافی تکمیلی دو روز قبل به کرمانشاه مراجعت نموده کوهستان - موفقیت ایشان را در راه خدمات ملی و اجتماعی از خداوند خواستاریم

تقسیم متاع بجان

در هفته گذشته هیئت وزیران موافقت نمود که خالصه جات دولتی بین رعایا تقسیم و قراولت از اول تیرماه به این تقسیم عملا در تمام کشور اجرا گردد .

غیر تقسیم خالصه جسات با نهایت غرضی در کلیه معانی تلقی شده و بسیار امید میرود که این اقدام مقدمه اصلاحات اساسی در کشور و خصوصا در بهبود وضع رعیت و عمران و آبادی مسکنت شود

آگهی

ارسال وجه اشتراك را قراولت قهرمانید

بررسی در شعر و ادبیات کردی

اینک بعضی از اشعار فولکلور کردی «اشعار توده»

در عشق
ای محبوب همه ؛ بگذار از ورزش
بادی که از لاله کوه های بلند میوزد.
زلهایب آخته و بیم بیچینه،
زماں روی این کجای های سورتک
بیامای ،
تا یکدم فاجیه دهات سوخته شده
ودلهای شکسته را فراموش کنیم.
وبگذار از بسدی جهره زیبای تو ؛
که به برف بهاری ، در سایه کوهستان
مبادست شوم

یک قطعه دیگر

شوهری که باید. دویکی از چنگ
های شوهری شرکت کند ، در آستانه
درآینده در حالی که غرق اسلحه است
ژن خود را مضامبت ساخته میگوید
...

آه ای محبوب بلند قد و مملوس من
که پاتو وداع میکنم ،
در سایه این درخت ،
آنجای که برای اولین بار چشم
بنگاه تو مسافد شد ،
که پاتو وداع میکنم ،
در جلو این چشمه ،
که با صدای ملایم خود زمزمه
می کند ،
در جلو این چشمه ،
آنجای که چشمای تو برای اولین
مرتبه بن بسم نمود ،
که پاتو وداع میکنم ،
در جلو این چشمه ،
که برای اولین مرتبه در کنار
من نشستی .

قلب معزوم من بنو میگوید ؛
بیغوان ، در چشمای من سرگندی
که لب های من ؛
هچگاه لیوانته از آن صبیانه
ترا ادا کنند ،
«اعتقاد داشته باش پسروی که
قلب او ؛
شایسته عشق تو و عشق ملت خود
میباشد»

برای چه از من دور می شوی
مگر نمی خواهی که اولین گریه
بچه ات را بشنوی ،
در صورتیکه تو نورد خدا مسئول
زندگی من هستی ،
نوبودی که تبسم زنانه را بلهبای
مسموم من راه دادی ،
با من بمان و مرا ترک مکن ،
من یک زن جوان و بچه سال هستم ،
و هنوز روزگار بن نامورخته که بتوانم
در تنهایی خود را تسلی دهم .

شوهر
آه ای زن زیبا و قشنگ من ،
نیلی-رن ، دور است که انسان در
بهار زندگانی به پاییز بیندیشد ،
اطمینان داشته باش که من برای
چیدن انگور مراجعت میکنم ،

اداو به من نازنین کن ،
یا تمام با من عشق زمانه مرا در
آغوش گیر .
میس هیس ؛ گوش بده به آه های
من ؛
در باره معیبت من حساس باش ،
خودت را به گری مزین و لاپت را
سبت بن نصیحت مکن ،
موتی که آفتاب آخرین شمع زرد
رنگ خود را از افق میفرستد ،
وزن های حسابه درب شاه های
خود را می بنهند ،
در این موقع از چشم من دو قطره
اشک سر از پر میشود ،
و شاید بهیچ چیز تو امان تسلیمت نیامد
ای بسا همینطور گریه کنم تا سنی
که طراوت و زیبایی خود را از دست
دهم .
در این موقع پسر تو همه میخواند
مرا ترک کند ،
و من با ناله برای ماندن پلایم
متوسل خواهم شد ،
زیرا که من کاملا به سستی معیبتی
که در دلمه نمیتوانم آرا تحمل کنم
واقف شده ام ،
و او تسبیح خواهد کرد از اینک
مادرش مسامت میکند که او از پدر خود
بیروی نماید

مهر میهن

آزادی وطن و خلاصه شهسورباش که
آسوتج در تحت سیادت انگلیسها جان
میدادله صرف کرد . پاتریک هانری پسر
گرنل جان هندی ساکن شهر آبردین
واقع در اسکاتلند به دنیا آمد این جوان
در اوایل زندگی پاندازه از تحصیل علم
و دانش بی زار بود که پدرش لاجار
از رفتن پسر به مدرسه مسامتی نکرد و هانری
بیشتر اوقات خود را در جنگل و کوهسار
میکشوراید .

در سن هجده سالگی متاعل شد
و بکار زراعت پرداخت در این موقع
ناگیان هانری پضیال مدانه از شهسورباش
افتاد که هر روز با مالیات کمر شکن
و قانونی جدید از طرف انگلیسها رو
برو میشدند ؛ بابک فصاحت و بلاغت
لوق الماده هانری برضه توان این استنماری
شروع بدافعه و مبارزه نمود پس از
چندی از طرف موططانش بناپندگی
انتخاب گردید ؛

چون پس از سالها نتیجه آسایش و
رفاهیت هم میبانش را فقط در آزادی
دید ایست بود ناپرم اغلاب امریکا را
دامن زد ؛

و تکیه انقلاب امریکا بنظور آزادی
و استقلال شروع شد هنوز صدی سه
ساکتین سواد نداشتند بیست و دو منذهب
و طریقه در میان آنان حکمه-رما بود
اسلمه شان جبارت از چوب و بیل نیرو
سنگ بود و با اینحال چون متفق القیده
بودند و سران و بزرگان شان فقط بنظور
خدمت پاپ و خاک میکوشیدند ؛ پیش
برده و آغرا لمر از قبه اسارت بیکانه
خلاصی یافتند

قابل توجه وزارت دارائی و اداره کل دخانیات

کارمندان دخانیات شهرستان هسا
چندی است ترمیم حقوق خود را دریافت
نداشته اند از وزارت دارائی و اداره
کل دخانیات انتظار داریم از همراهی
و کمک باین دسته غسوما کارمندان
کردستان دریغ نداشته و با تسویب
پرداخت ترمیم حقوق ، آنان را بیشتر
بخدمت تشویق نماید

تغییر نام قاضی

چون نام خانوادگی اینجناب بانر
صدیقی از نامه صدیقی به و صدیق
وزیری ، تغییر یافته لذا مراتب جهت
استحضار آقایان محترم و دوستان گرام
دوچ میشود متنی است من بدرعایت
فرمایند

بانر صدیق وزیر
ش ۱۰-۲۵

از سنه ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ زاپوشی ما
بیش از سایر ملل حب میهن را بجهان
اثبات نمودند و در این راه از بدل جان
دریغ نداشتند در همین تاریخ دولت دیکمهای
پورت ارتور با دولت روسیه زد و خورد
می نمودند ؛ بنظور مدانه مسخت باصه
نفر ندا از آن جان گذشته لازم داشتند
غریب به هزار نفر داوطلب شدند ؛
از بین همه مزبور باصه نفر را
که در دنیا ماداو معنا بیلاسه بودند
انتخاب کردند تنها بکنفران آنان دارای
مادر بی بی بود که پانسیجه قرمه معالیت
باشش اصابت نمود موقیبه باحال زار
و پریشان پشزل مراجعت نمود مادرش
چگونگی را از او استفسار کرد ؛ چون
مانع فداکاری او را در اموطن تشفیس
داد بیبانه پسر را بیرون فرستاد و خود
را انتحار کرد و در ورنه لوشت چون
من تنها مانع فداکاری پسر در اموطن
بودم خود را کشتم که پسر از اینست
انتظار می بهره نکرد ؛ پس از این واقعه
شخص مزبور در دست جان نثاران میهن
قبول و با فدا کردن جان باصه لمر چنان
شکستی برومی وارد آوردند که مسلمات
تاریخ دنیا از آن مشمتع است ؛ همین
میهن پرستی و جان نشایبها بود که دولت
نور افزاده ژاپن در گرتین ملت دوش
پغوش ملت اروپا پراه افتاد .

همه میدانیم که جاسوسی یکس از
رذل ترین شغل و پیشه است و جاسوسی
بمقابل بین الملل جزایش فقط مرگ است
با این مراتب اگر جاسوسی بفتح میهن
و استفاده آب و خاک صورت پذیرد
صدمت مستحق میگردد و این پیشه
متحوس در بوته عشق وطن زور خالص
و بی میار خواهد شد

تاریخ امریکا هنوز هم فداکاران
وطن و دهرمان آزادی خود را با آب
ملا پر سر لوسه خود نکاشته ؛ جرج
واشنگتن آوازه و شهرتش نه چندان
است که در این کتاب ذکر می شود او
فدایم ؛ بلکه میتوانیم از دو میسن راد
مرد امریکا بنام پاتریک هانری یاد کنیم
و به تبسم این جوان سرد پا چه فوه و
فدایتی سراسر زندگی خود را پسرای

و اگر جنگجویان همه در میدان
کشته میشوند . دیگر جنگسی در دنیا
وخ نیباد ؛
بن لودیک شو ، یک دلمه دیگر
بن گوش بده ؛
این قلب به چه جز تو برای کس دیگر
به طبش نمی آند .

و مردی را که تو دوستش داری
هیبت مسامتمند است .
آه ای دن زیبا ؛ باحانه های مسطر
زلفت ؛
تو هستی که هچسنگاه فراموش
نمی کنم ؛
بدان که قلب من بنو تعلق دارد
تا موقع مرگ .
بنو تعلق دارد حتی در زیر سنگ
تیر .

کوهستان

بشم سالار گز لجه

بگ مکتوب وارده

فدما د کرده خواهم بیاد بکوفه تاریخی
زیرین انعام
3 مامون خلیفه عباسی قصد عربیت
یکی از شهر های اطراف < واسط >
برای تفریح نمود نادرین شهر به اهالی
گفت موقع هیورادوی غلیقه از من اظهار
رضایت کنیده اهالی که از او دل خوشی
نداشته این تکلیف را رد ننوده ناچار
قاضی شخصاً در مدخل شهر محلی که
خلیقه از آنجا وارد میشد ایستاده و پس
از رسیدن خلیفه قاضی با صدای بلند گفت
خدایلیه را سلامت به دارد قاضی مایسار
قاضی خوبی است . . . و بلافاصله سر به از
آنها دور شده و بنقله دیگر در جلو
مرکب خلیفه ظاهر شده و همان هیارت
و ادب تا به مرتبه بن حمل را تکرار
نمود خلیفه که در هر سفر مرتبه متوجه
او بود به و زویی که همراهش بود گفت
ترسی که قضاکت در نزاع اظهار رضایت
بکند بهترین قاضی هست وزیر گفت
خدمه دتر بی است شخصی است که از
قاضی اظهار رضایت میکند خود قاضی
است . . .
نامه ن . گروسی و تعمیر روزنامه
کوشش از آن بنایندگی کلیه اهالی
کردستان هم شبیه حکایت فوق است

چندی است بعضی از روزنامه های
چیره نواز معائن ارنجیامی و موکر های
پادو نوبان استماری خارجی در اطراف
موضوع کردستان شروع بیاوه سرالی و
نثر پارماراچین بنطور مشوب بودن
انگشت و در نتیجه بیخالی خود تخمیف
اساس نهبت دمکراسی و تولید و غنادر
جبهه مستحکم آزادی سوده اند .
و با اینکه امروز برده از روی کار
هارداخته شده و همانطور که حیث نهبت
دمکراسی موجوده که انگار صوم
آزاد بفرمان کشور پشتیبان آن است
واضح آشکار گردیده هیوت کارگردانان
روزنامه های مزبور نیز در نظر صوم
روشن میباید سندا این آقایان مطوم .
العال هنوز از روزنامه و با دادن متوان
تجزیه طلبی بیگ نهبت دمکراسی و
جلیفتان مبتدل و هوامانه و انتشارات
بی سر و ته بغالرت کنیت خود ادامه
می دهند .
غافل از اینکه در مقابل حقایق
مشکوفه نتایج که از این قبیل اشارات
میواند بگریه فقط گز لجه خودشان
خواهد بود لا غیر .
اگرچه مطالب مبتدل روزنامه های
مزبور هیچگاه قابل بحث و جواب دادن
نیست و منظور من هم این نبوده فقط
برای اینکه تریخی برای خوانندگان
مسترم تهیه نموده باشیم چینه جمله از
متدرجات آنها اشاره مینمایم .
روزنامه مبین فر شماره 287 روز
پنجشنبه گذشته آلمانی که آمار کردستان
را ذکر مینماید تمام جیمت شهرستان
مهاباد و کردستان شمالی را پنج هزار نفر
تعیین نموده است !! لیدام از خواندن
این موضوع بشاخواتند مسترم چمالی
دست خواهد داد ، بجبالت این نویسنده
می شنیدید ؟ از میزان اطلاعات مدیریک
روزنامه سیاسی - ادبی مرکز کشور
متأسف میشود ؟ یا تجب میکنند کا
چطور تاکنون امریکانیا که در علاه
بنیه آمار های دقیق مرفوف میباشند
این آمار کر و دانسته عالی مقام را
برای مستشاری پارمیکا دعوت ننوده اند
در اینجا تصور میکنم زیادی باشد
اگر بنویسیم اکثریت مطلق سکنه استان
چهارم در آذربایجان کرد میباشد و
تعداد نفوس آنها مطابق آمار پیش
از یازصد هزار نفر است .
اما روزنامه کوشش وقتی سرمقاله
شماره 602 چهار شبه تحت عنوان
قرار داد آذربایجان و کردستان که به
مراسله یکنفر مجهول باسم بن گروسی
شروع شده و روزنامه مزبور هم آرا
تکمیل و اظهارات این شخص زابه عنوان
مخالفت تمام کرده است متدرج کرمانشاهان
گروس - سلف و مهاباد یا نهبت همال

فوقای شهر داری

از تهران تا سنندج

مدرس تومش ویس اداره برق در
هفته گذشته فوقای عجیب راه اتناحلات
شده بی از طرف پشی از روزنامه های
تهران بر علیه شهردار آقا ز کردید و
چند روز جدا دوام داشت
این موضوع توجه ما را فوراً به
کردستان معضوف داشت و بیاد شهرداری
آنها افتادیم و با خود مقایسه کوچکی
کردیم خواننده گان بدانند که پس از
صدای آفای زریان شهرداری تهران
بهبده آفای مشایخی واگذار شد و در
مدت نابل دو ماه و چند روزی واقفا به
طور محسوسی دیده شد که شهرداری
تکالی خود و اصلاحاتی عملا مشاهده
کردید .
از اشخاص مطلع و بصیر نظریات
اصلاحی را شهرداری درخواست میکرد
و هر قدر قدرت مالی شهرداری اجازه
میداد دست با اصلاحات زده شده ولی
بر کناری یکی از روسای ادارات جنجالی
با کرد و بعنوان اعتراض معاون شهرداری
استعداد داد و هوا خواهان آنها شهردار
را مورد سله قرار دادند که جرابون
جبت رئیس برق را برکنار نموده است
عده ای معانه او را میخواهند عده ای
خود هن رسیدگی هستند عده ای نقش
میدهند ولی آنچه مسلم است در تمام این
مدت شهردار واقفا کار کرده و جدیت
بخرج داده است و تا میزانی که ما

حضرت اشرف آفای نخست وزیر رو نوشت روزنامه کوهستان لاطلبه
اهالی کردستان پیوسته به بیت پاک و اقدامات وطن پرستانه آن جناب اطمینان
و امیدواری کامل داشته در این وقت که آفای مرشد سالکین حاج سید شهاب
الدین نقش بندی در مراجعت بکردستان توجه خاص حضرت اشرف را از طرف
آجناب بجوم طبلات ابلاغ نموده اند امضا کنندگان ذیل لازم میداریم مراتب
سیاسکداری اهالی کردستان را از این عطف توجه مخصوص بشنود حضرت
اشرف تقدیم و از مراسم مبلوله نسبت بایشان در مدت توقف تهران نیز تشکر
و امتنان عرض نماییم
علی نصر اللهائی معمد مدرسی گرجی معمد غیسانی عبدالعزیز
مدرس اصولی سید علی عبدالعزیز معمد شریف معمد سید منولی حسین
وکیل رضا آصف ابولتفاح صادق وزیر معمد صادق وزیر معمد حسین مردوشی
حاید نقش بندی سید معمد خالد نقش بندی مشیری عباس امین الاسلامی عبدالعزیز
برهان نصر اللهائی صلاح الدین نقش بندی حسن نصرزاده مردوشی سید
نصر الدین نقش بندی سید معمد زاده نقش بندی صالح نصر اللهائی موسی حسینی
نصر الدین خالدی صلاحی سید حبیب الهه کریمی معمد الدین اسدی دکتر هارون
بز شک آنبال بز شک لورز ملائی طاهر علی الباهوی معمد اسجیل صغری و غایلی

تلمگراف از کردستان

جدایی به دشمنان

پایه از شماره 1

رود های سریع البر ، دشتهای
بی آب و علف رویهها نتوانند
بودند آن طایفه و رامطیع خود
کنند . کار دیده ترین بهادران
روم که از سردار خود بحث از
چنگ پرتیا را می شنیدند سر
تعلیم فرود می آوردند ...
حالا می پرسیم این مناطق که
جنگوارانش دشمنان ایران را مجبور می
کرد سر تنظیم فرود آورده مگر
غیر از همدستان تاریخی و کردستان
بعد میباشد ؟
نه تنها پرسور سیاسی ، همسره
معتمقین طوایف مادوا متاثر کرد دانست
و تاریخ شرق قدیم منزل و ماوای قوم
گردوا از خلیج فارس تا بحر نزر نشان
داده است .

در قدیم پدران کرد بوده اند که
درفش کلایانی و با نسیم های ظفر به
اعتزاز دو آورده عظمت ایرانیان را در
صحایف تاریخ مفاخر ملل ثبت نموده
امروز هم شلی می بینم که اگر موقعیت
واشرامی که هفتاشنی ها اشکانی ها و
سامانی ها برای لیاکن کرد قائل شده
بودند دولت مرکزی نیز از ایشان دریغ
نمایند اصفا با شجاعت ایشان خواهد شد
که مفاخر باستانی را احیاء و عظمت اولیه

ایران را تجدید کنند .
بنا بر این هیچکس نمیتواند تهمت
تجزیه ایران را بملت ایرانی نسب کرد
بعضی بنده امین عبور ایران جیباند جن
اینکه خیالات خائسانه خود را نشان
سازد .
باید دانست که حمله بیجا علیه
کرد کرد تمام دلهای کرد را آزرد
و بی احترامی بیک عده کرد عزت نفس
هم کردها و ایرانیان پاک طینت را جرحیه
دار می سازد .

آبوسان یکساله داغله - 200 ریال خارجه - 250 ریال
تکفروشی داغله 1 ریال خارجه - 1 ریال
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن 7657